تحلیل ساختاری حکایت دقوقی در مثنوی مولانا

فاطمه امامی[1]

چکیده

«دقوقی» عنوان بیست و نهمین داستان از پنجاه و چهار حکایت دفتر سوم مثنوی است. مولانا در این حکایت در ۳۸۱ بیت به یکی از مباحث مهم عرفانی پرداخته است.

داستانی که با نقد و بررسی آن می‌توان به گوشه‌ها و زوایایی از هنر داستان‌پردازی مولانا دست یافت. این مقاله بر آن است تا با تحلیل عناصر داستانی حکایت دقوقی و بررسی آشنایی‌زدایی در آن به بخشی از بوطیقای قصه‌پردازی مولانا بپردازد.

مهم‌ترین نکات تحلیلی، بیان تبارشناسی داستان و بررسی عناصرداستانی چون: راوی و زاویه‌ی دید، درون مایه‌ی طرح و پیرنگ، و سایر عناصر داستان است، که سبب دست‌یابی به نتایج مهم در این پژوهش شده است.

کلیدواژه‌ها: مولانا مثنوی دقوقی عناصر داستانی.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، ایران

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

بهـــتر آن باشـــد که ســـر دلبران گـــفته آیـــد از زبـــان دیـــگران
نیکلسون ۸۰، ۱۳۸۲

هر کسی فرا خور استعداد خود درکی از قصه دارد به همین سبب در ساختار قصه تصرف می‌کند. مولانا لفظ را ظرف می‌داند و معنا را مظروف، حکایت ابزاری اســت برای انتقال معنا فرم و عناصر و حوادث آن در درجه‌ی دوم اهمیت قرار دارد.

حـرف ظرف آمد، درو معنی چو آب بـــحر مـــعنی، عـــنده‌ی اُمُّ الکـــتاب
نیکلسون ۱۳۸۲، ۱۰۰

قصه در مثنوی دو جنبه دارد:

۱ـ صورت و ظاهر قصه: از مآخذی اقتباس شده، مولانا تصرفاتی در اصل و داستان کـرده و رمزهایی تقریر می‌کند. تفاوت صورت قصه‌ها میزان تصرف گوینده را معلوم می‌کند (البته در داستان ما کاملاً متفاوت است و هیچ منبعی به دست نیامد)

۲ـ ســر قصه: همان طور که گفته شــد صورت غایت مقصود نیست بلکه سرقصه اســت آنچه خواننده را به اوج حقایق می‌رســاند. در نتیجه قصه نوعی تعلیم عرفانی عملی است.

ای بـــرادر قصه چـــون پیمانه است معـــنی انـــدر وی بـــسان دانه اســـت
دانـــه‌ی مـــعنی بگیـــرد مرد عقل ننـــگرد پیمـــانه را گـــرگـــشت نـقل
نیکلسون ۱۳۸۲، ۳۰۰

خلاصه‌ی داستان دقوقی

دقوقی عارفی است اهل سفر، او در این سفر، هدف خود را دیدار یار در بشر، دیدار قلزم در قطره و آفتاب در ذره معرفی می‌کند. به ساحلی می‌رسد و ناگهان در ساحل دریا، هفت شمع با نوری حیرت‌آور که تا آسمان می‌رسد، بر او نمایان می‌شود. مردم این نور را نمی‌توانند ببینند. ناگهان، آن هفت شـــمع به یک شـــمع بدل می‌شوند و سپس آن یک

شمع به هفت شمع تغییر صورت می‌دهد. دقوقی از دیدار این منظره، بی‌هوش می‌شود و ساعتی در بی‌هوشی به سر می‌برد، آن هفت شمع به هفت مرد نورانی که نورشان به آسمان می‌رسد، تغییر چهره می‌دهند. آنگاه آن هفت مرد بدل به هفت درخت می‌شوند، درختانی با شاخه‌های بسیار و پر برگ و میوه‌هایی آبدار. دقوقی حیران از خود می‌پرسد چرا هر روز انسانها، تشنه و گرسنه از کنار این درختان می‌گذرند و آن را نمی‌بینند. دقوقی جلوتر می‌رود، آن هفت درخت به یک درخت بدل می‌شود.

سپس می‌بیند آن درختان برای نماز صف کشیدند و دیگر بار آن هفت درخت به هفت مرد بدل شدند. دقوقی با حیرت به آنان نزدیک می‌شود تا بداند کیستند، سلام می‌کند. آنان نامش را می‌برند و سلام می‌گویند. دقوقی در می‌ماند که نامش را از کجا می‌دانند.

آنها، با اشرافی که بر ضمیر او دارند، سبب سرگشتگی‌اش را می‌دانند و می‌گویند عارفان از اسرار عالم باخبرند. او را به امامت جماعت برمی‌گزینند و رو به دریا نماز می‌گزارند. در میان نماز، دقوقی، چشمش به دریا می‌افتد، کشتی‌ای در بند امواج سهمگین این سو و آن سو کشیده می‌شود و ساکنان کشتی از بیم موج و مرگ شیون می‌کنند.

دقوقی، در میان نماز برای نجات آنان دعا می‌کند و هنوز نماز آنان پایان نیافته، کشتی به سلامت به ساحل می‌رسد. آن هفت تن می‌پرسند که: دعای چه کسی اهل کشتی را رهانده است؟ دقوقی روی برمی‌گرداند می‌بیند اثری از آن هفت تن نیست. دقوقی سالها در آرزوی دیدار روی آنان اندوه می‌برد، اما هرگز نشانی از آنان نمی‌یابد. (زمانی ۵۷۳۱، ۹۹۴-۸۹۴)

تبارشناسی

حکایت دقوقی از مفصل‌ترین حکایات مثنوی است که حدوداً ۱۸۳ بیت را به خود اختصاص داده است. اما این دقوقی کیست؟ و مولانا این شخصیت را از کجا یافته و

۴۷ ◇◇◇

که به دلیل رمزوارگی ساختار معنایی داستان در شروح مختلف مثنوی از دیدگاه هر شارحی متفاوت است. به هر روی وجه مشترک تمامی آن‌ها توجه به موضوع «وحدت وجود» یا «پیوستن کثرات به نقطه‌ی وحدت» است، در حالی که به نظر می‌رسد که نظر جولیان بالدیک درباره‌ی ساختار معنایی مثنوی با ارزش‌ترین و صادق‌ترین باشد. بالدیک، مطابقت موضوع کلی هر دفتر مثنوی را با یکی از شش پسر در الهی‌نامه عطار نیشابوری می‌داند. مثنوی والاهی‌نامه هر دو یک طرّح را دنبال می‌کنند. موضوع دفتر اول مثنوی نفس، دفتر دوم ابلیس دفتر سوم عقل، دفتر چهارم علم، دفتر پنجم فقر و دفتر ششم توحید است. (صفوی ۳۳/۸۸۳۱) با توجه به اعتقاد بالدیک قطعاً موضوع اصلی دفتر سوم مثنوی عقل است. اما جایگاه اصلی این حکایت یعنی حکایت دقوقی نیز دعاست. و سیر خطی داستان‌های دفتر سوم مثنوی براساس دو داستان پیشین حکایت کرامات دقوقی که مولانا نیز در این داستان به آن اصرار دارد موضوع: «قضای الهی»، «رضای به قضا» و تغییر آن با دعاست. و شرایط و چگونگی دعا که داعی سالک را تا مرحله‌ی تکامل و فنا می‌رساند. این داستان‌ها عبارتند از: «صفت بعضی اولیاء که راضی‌اند به احکام و دعا و لابه نکنند کی این حکم را بگردان» «قصه سؤال کردن بهلول آن درویش را»، و بالاخره «قصه‌ی کرامات دقوقی»

مولانا در این حکایت تمثیلی و پُر راز و رمز اهم مباحث عرفانی و تصوف از قبیل وحدت وجود، اتحاد نوری اولیا، تجسد روح در قوالب مثالی و اَبدانِ هَوَر قلیایی، ظهور حق در کسوت خلق به نحو تجلی، و مکاشفات و واقعات و غیره را با کلامی فخیم و ماهرانه به نظم کشیده است.

به نظر می‌رسد قصه‌ی دقوقی، قصه‌ی خود مولاناست. داستان تجربه‌ی روحی مولاناست در آن هنگام که او تلاش می‌کند تا با دست یافتن به تصفیه‌ی روحی، به دست آوردن دل، آینه ساختن آن، لایق دعای «استجب» شود. اما داستان کرامات

۴۹ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۵۱ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۵۳ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۵۵ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

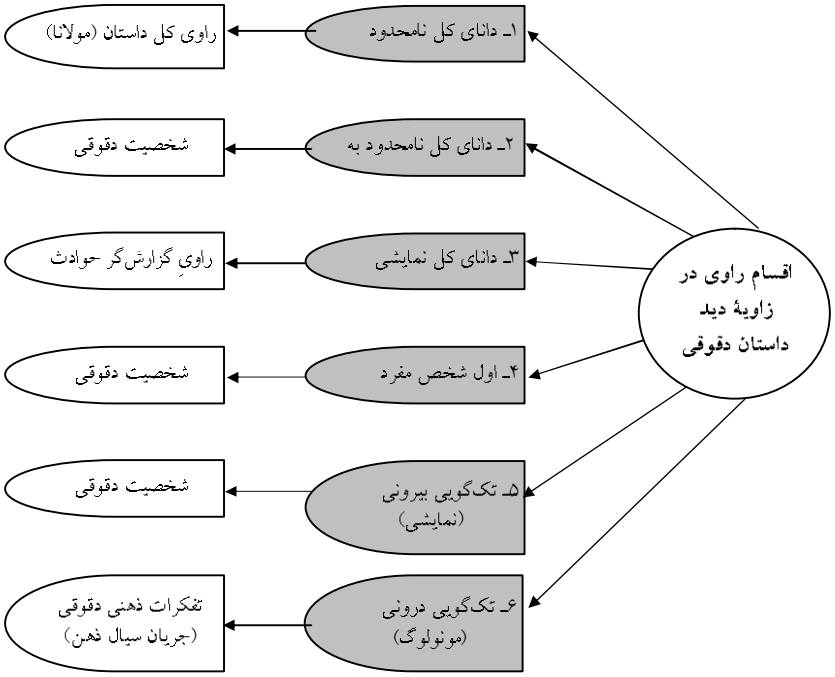

جدول بسامدی آمار حضور راوی در داستان دقوقی

ردیف	راوی (نوع)	تعداد دفعات حضور در روایت	تعداد ابیات روایت	تعداد بیت در هر بار حضور برای آن بخش خاص
۱	دانای کل	۲۰۶ مرتبه	۱۶۰ بیت	۱/۱۵/۱/۵/۵/۰/۵/۰/۵/۰/۵/۳/۶/۴/۵/۱/۱/۴/۳ /۸/۴/۲/۵۶/۷/۱/۶/۴/۱۵/۱
۲	مولانا	۳ مرتبه	۶۶ بیت	/۳۶/۱۸/۱۲
۳	دقوقی	۱۵ مرتبه	۶۸ بیت	
۴	خداوند	۳ مرتبه	۴ بیت	/۲/۱/۱
۵	پیامبر	۲ مرتبه	۹ بیت	/۲/۷
۶	موسی	۲ مرتبه	۶ بیت	/۵/۱
۷	اجزای درخت	۱ مرتبه	۲ بیت	/۲
۸	دیو	۱ مرتبه	۵ بیت	/۵
۹	مردم	۲ مرتبه	۶ بیت	/۲/۴
۱۰	هفت مردم	۵ مرتبه	۱۱ بیت	/۵/۱/۲/۲/۱

ردیف	طرفین گفت‌وگو		تعداد بیت	موضوع بحث	تغییر متکلم
	متکلم	مخاطب			
۱	دانای کل	خواننده	۳	توصیف دقوقی و سفر او	دانای کل به دقوقی
۲	دقوقی	خواننده	۳	توصیف سفر از زبان دقوقی	دقوقی به دانای کل
۳	دانای کل	خواننده	۴	توصیف صفات نیک دقوقی	دانای کل از زبان پیغمبر
۴	دانای کل	خواننده	۷	تمثیل ذکر جزء و کل تداعی آزاد	دانای کل از زبان پیغمبر
۵	دانای کل	خواننده	۱	تمثیل ذکر در توصیف علی (ع)	خود مولانا بازگشت به قصه
۶	دانای کل	خواننده	۱	بازگشت به داستان	خود مولانا بازگشت به قصه
۷	دانای کل	خواننده	۴/۵	توصیف دقوقی و هدف او	نقل قول مولانا از زبان دقوقی
۸	دقوقی	خدا	۲/۵	مناجات با خدا در طلب خاصان حق گفت‌وگو	پاسخ خدا از بان مولانا
۹	حضرت حق	دقوقی	۲	جواب حضرت حق به دقوقی	دوباره سخن گفتن دقوقی
۱۰	دقوقی از زبان مولانا	خدا	۴	در بیان عشق حق	راوی نامشخص
۱۱	مولانا	خواننده	۶	در توصیف صواب و ناصواب	راوی نامشخص
۱۲	دانای کل مولانا	خواننده	۱	بیان تمثیلی داستان موسی تداعی آزاد	نقل قول از زبان موسی
۱۳	موسی	خواننده	۱	بیان طلب خضر گفت‌وگو	تغییر به دانای کل
۱۴	دانای کل	موسی	۳	بیان عزت و جاه موسی گفت‌وگو	پاسخ به موسی
۱۵	موسی	دانای کل	۵	در بیان دلیل طلب خضر و عشق حق	تغییر به دانای کل
۱۶	دانای کل	خواننده	۱	بازگشت به داستان	دانای کل
۱۷	دانای کل	خواننده	۰/۵	بیان دلیل سفر دقوقی	نقل از زبان دقوقی
۱۸	دانای کل از زبان دقوقی	خواننده	۱/۵	سفر دقوقی	سخن راوی
۱۹	دانای کل یاراوی	دقوقی	۰/۵	چرا پا برهنه می‌روی	پاسخ دقوقی
۲۰	دانای کل	دقوقی	۰/۵	دلیل رفتن و عشق	تغییر به دانای کل
۲۱	دانای کل	در مقابل خواننده	۵	توضیح و تبیین سخن دقوقی	تغییر از دانای کل به دقوقی
۲۲	دانای کل از زبان دقوقی	خواننده	۳۴	بیان آغاز سفر و دیدن ۷ شمع در ساحل	بیان کلام اجزای درخت از زبان دقوقی

۲۳	دقوقی از زبان	مردم	۲	دعوت به درک درست وجود آن‌ها	پاسخ خداوند به درختان
۲۴	خداوند	درخت	۱	هدایت الهی شامل حال مردمان غافل نیست	تغییر متکلم ß دقوقی
۲۵	دقوقی	مردم	۱	دعوت به هدایت درک درختان	پاسخ مردم به دقوقی
۲۶	مردم	دقوقی	۲	انکار کرامت دقوقی از سوی مردم	دقوقی
۲۷	دقوقی	خواننده	۱۱	توصیف حالات مردم منکر و مقایسه خود با	دقوقی به دانای کل
۲۸	دانای کل	دقوقی	۵	خطاب به دقوقی که منکران را رها کن	از دانای کل به مردم
۲۹	مردم	دقوقی	۴	انکار درخت و باغ مورد ادعای دقوقی از سوی مردم	مردم به دقوقی
۳۰	دقوقی	مردم منکر	۴	تعجب دقوقی از انکار آن‌ها	دقوقی به دانای کل
۳۱	دانای کل	دقوقی	۱	دعوت با بازگشتن به داستان	دانای کل به دقوقی
۳۲	دقوقی	خواننده	۷	بازگشت به داستان ۱ درخت شدن ۷ درخت	دقوقی به خدا
۳۳	خدا	دقوقی	۱	الهام کلام الهی	خدا به دقوقی
۳۴	دقوقی	خواننده	۳	ادامه داستان ۷ مرد شدن ۷ درخت	دقوقی به ۷ مرد
۳۵	قوم ۷ مرد	دقوقی	۱	جواب سلام گفتن به دقوقی از سوی ۷ مرد	۷ مرد به دوقی
۳۶	دقوقی	۷ مرد	۲	تعجب دقوقی از اینکه هفت مرد او را شناختند	دقوقی به ۷ مرد
۳۷	۷ مرد	دقوقی	۲	پاسخ هفت مرد به دقوقی	۷ مرد به دقوقی
۳۸	دقوقی	۷ مرد	۱	سخن گفتن مرد به دقوقی	دقوقی به ۷ مرد
۳۹	۷ مرد	دقوقی	۲	بیان آرزوی اقتدا به دقوقی از سوی۷ مرد	۷ مرد به دقوقی
۴۰	دقوقی	۷ مرد	۶	بیان آروزی صحبت ۷ مرد از سوی دقوقی	دقوقی به ۷ مرد
۴۱	۷ مرد	دقوقی	۱	پذیرفتن صحبت هفت مرد از سوی دقوقی	۷ مرد به دقوقی
۴۲	دقوقی	خواننده	۱۲	در بیان هم صحبتی با ۷ مرد	دقوقی به دانای کل
۴۳	دانای کل	دقوقی	۱۵	توضیح مولانا درباره‌ی پیشوای آگاه	دانای کل

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

نکته جلب می‌کند که گویی در ابتدا بسیار ساده و به زبانی عادی است بعد بر حسب تقدیر وارد هفت مرحله‌ی عرفانی می‌شود. در این قسمت حکایت لحن دقوقی و راوی اصلی قصه لحنی عارفانه می‌شود. سپس هنگام صحبت کردن دقوقی با خداوند لحن مناجات گونه می‌شود. لحن دقوقی ملتمسانه می‌شود. سپس شخصیت اصلی قصه از طرف مخاطبانش یعنی هفت مردان مورد تحقیر قرار می‌گیرد. و بالاخره لحن دقوقی لحنی حیرت زده می‌شود. بعد از این لحن هفت مردان حالت توبیخ‌آمیز می‌یابد.

و بالاخره این لحن دقوقی است که حالتی ملامت زده پیدا می‌کند. و همان طور که می‌بینیم لحن در این حکایت درست هفت مرحله را طی می‌کند.

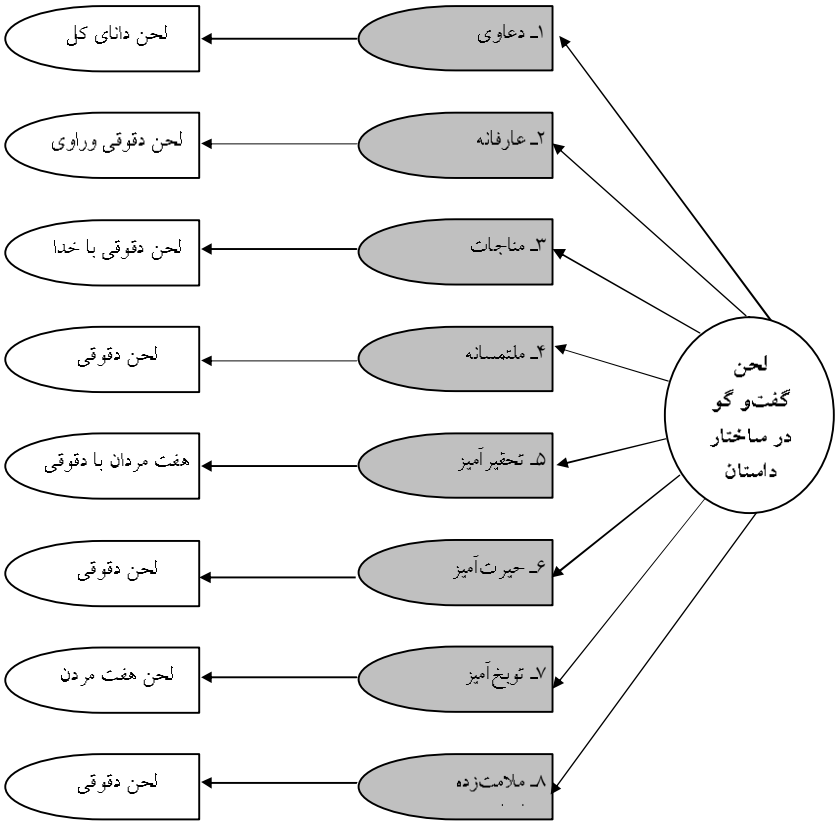

پلات داستان دقوقی

نقطه شروع داستان:

داستان با معرفی شخصیت دقوقی و نوع نگرش او به دنیا شروع می‌شود و در لابلای آن تصمیمی را که او می‌گیرد اعلام می‌کند.

اپیزود اول:

از جایی آغاز می‌شود که دقوقی تصمیم می‌گیرد سفر خود را آغاز کند. در این حال شرح تصمیمی که او برای به سفر رفتن می‌گیرد را توضیح می‌دهد.

اپیزود دوم:

در این قسمت دقوقی به ساحل دریا می‌رسد و با یک شمعی روبرو می‌شود که روشن است و در حال سوختن.

اپیزود سوم:

دقوقی می‌بیند که این شمع تبدیل به هفت شمع می‌شود و این هفت شمع تبدیل به هفت درخت می‌شوند و این هفت درخت تبدیل به یک درخت می‌شود و این یک درخت تبدیل به یک مرد و در نهایت تبدیل به هفت مرد می‌شوند که به دقوقی اقتدا کرده و نماز می‌گذارند.

نقطه اوج:

نقطه اوج قصه جایی است که دقوقی هنگام خواندن نماز روبه روی دریا با کشتی در حال غرق شدن روبه رو می‌شود و در این میان در درگاه پروردگار برای نجات آنها دعا می‌کند.

نقطه عطف:

زمانی است که مردان نمازگزار با این حال دقوقی و پیشامدی که رخ داده است

۶۳ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۶۵ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۶۷ ◇◇◇